



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مقصد اول - اوامر

تاریخ: ۲۰/ بهمن/ ۱۳۹۴

موضوع جزئی: فور و تراخی\_ ادله قائلین به فوریت: آیات

مصادف با: ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۳۷

سال هفتم

جلسه: ۶۶

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### دلیل دوم: آیات

##### آیه اول

«وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»<sup>۱</sup>

تقریب استدلال: در این آیه شریفه کلمه «سارعوا» صیغه امر و دال بر وجوب است. در ادامه آیه شریفه «الی مغفرة من ربکم» آمده پس خداوند امر به سرعت بخشیدن در طلب مغفرت کرده است. یعنی دستور به سرعت دادن و فوریت اتیان به واجبات داده شده است.

توضیح ذلک: از طرفی سارعوا به معنای سرعت بخشیدن و شتاب کردن می باشد و از طرف دیگر مغفرت به معنای بخشش و غفران است که از افعال خداوند است. لذا این که در آیه شریفه امر به سرعت گرفتن به سوی مغفرت الهی شده به حسب ظاهر نمی تواند مقصود سرعت گرفتن به سوی فعل خداوند باشد. زیرا سرعت گرفتن و شتاب کردن از ناحیه مکلف به سوی فعل خویش امکان دارد یعنی مکلف تنها در رابطه با کاری که متعلق به خودش است می تواند عجله کند و شتاب بگیرد اما در رابطه با فعل دیگران و مخصوصا خداوند اساسا شتاب گرفتن مکلف ممکن نیست. اصل اضافه مکلف به فعل خداوند ممکن نیست چه رسد به اینکه آن فعل را بخواهیم سرعت ببخشیم. پس قطعاً ظاهر آیه شریفه مراد نیست و باید کلمه ای در تقدیر گرفته شود یعنی بگوئیم آیه می خواهد بگوید: «و سارعوا الی سبب مغفرة من ربکم» یعنی خداوند دستور به سرعت گرفتن به سوی اسباب مغفرت الهی نموده است. وگرنه سرعت گرفتن به سوی خود مغفرت توسط انسانها معنا ندارد. اسباب مغفرت هم عمومیت دارد شامل خیلی از افعال می گردد مثل توبه، دعا، تضرع به درگاه خداوند و خیلی از امور دیگر، یکی از مهمترین آنها امتثال اوامر و نواهی الهی است که موجب مغفرت می گردد. اینکه انسان واجبات را انجام دهد و محرمات را ترک کند باعث می شود که غفران الهی شامل حال او شود.

با این توضیحاتی که بیان شد معلوم می شود آیه در مقام بیان لزوم به شتاب و سرعت دادن به اسباب مغفرت است. یکی از اسباب مغفرت اطاعت اوامر الهی است. اگر بخواهیم مصداقی برای این آیه شریفه ذکر کنیم می توانیم بگوئیم: «يجب علیکم المسارعة الی اطاعة امر الله» چنانچه می توان گفت: «يجب علیکم المسارعة الی التوبة، يجب علیکم المسارعة الی الاحسان الی الوالدین و...» اینها همه مصداقی این امر کلی هستند. اگر وجوب مسارعة به سوی اطاعت امر الهی از این آیه استفاده شود این چیزی جز

<sup>۱</sup> آل عمران آیه ۱۳۳

فوریت نمی تواند باشد. وقتی گفته می شود بر شما واجب است به سرعت امر خدا را امتثال کنید، این همان فوریت است. فوریت یعنی مکلف به سرعت و بالفور در اولین زمان ممکن امر خداوند را اتیان کند.

**نکته:** این که به واسطه آیه می گوییم صیغه افعال و صیغه امر دلالت بر فوریت می کند این در اوامر شرعی است و لذا نمی توانیم دلالت صیغه امر بر فوریت را در اوامر عرفی ثابت کنیم. دلیل اول که دلیل عقلی بود یک دلیل کلی بود. البته دلیل اول نیز با بیانی که گفته شد در اوامر شرعی درصدد اثبات فوریت است مگر اینکه ما به جای «العلل الشرعیه کالعلل التکوینیة» بگوییم: «العلل الاعتباریه کالعلل التکوینیة».

ولی در مجموع ادله یعنی حکم عقل، آیات و روایات که عمدتاً در صدد این است که اثبات کند اوامر شرعی دال بر فوریت است، به طور کلی صیغه امر (چه از شارع صادر شده باشد چه از موالی عرفی) دلالت بر فوریت ندارد.

### آیه دوم

«فاستبقوا الخیرات»<sup>۱</sup>

استدلال به این آیه تقریباً مانند آیه اول است و تنها بجای کلمه مغفرت کلمه خیرات قرار داده شده است.

**تقریب استدلال:** استبقوا صیغه امر و دال بر جوب است و بیان می کند که بر شما سبقت گرفتن واجب است. سبقت گرفتن یعنی زودتر به مقصد رسیدن لذا خداوند تبارک و تعالی در آیه شریفه امر می کند به سبقت گرفتن و از این امر لزوم سبقت از دیگران و پیشی گرفتن از دیگران برای رسیدن به مقصد فهمیده می شود. از طرفی نیز الخیرات متعلق این امر است یعنی کآنه به ما دستور داده شده سبقت بگیریم به سوی خیرات. در آیه شریفه کلمه خیر هم به صورت جمع آمده و هم با الف و لام و جمع محلی به الف و لام دلالت بر عموم می کند. یعنی خیر در آیه شریفه شامل همه خیرات می گردد. یکی از بارزترین مصادیق خیر، اطاعت و امتثال امر خداوند است. درست است که خیر یک معنای بسیار عامی دارد و شامل خیلی از افعال مثل احسان، عیادت مریض، کمک به دیگران می شود اما اگر کمک به دیگران و دلسوزی برای دیگران خیر است قهراً اطاعت از دستورات خداوند نیز یکی از برترین اعمال خیر می باشد. پس به مقتضای آیه شریفه «فاستبقوا الخیرات» سبقت به سوی اطاعت امر الهی واجب است. دلالت این آیه بر مدعا چه بسا از دلالت آیه اول قوی تر باشد. زیرا در آیه اول «الی مغفرة» بود که هر چند نکره است (هرچند معنای آن «الی سبب مغفرة» است یعنی باید به سوی سبب مغفرت سبقت بگیرید) اما اینجا جمع محلی به الف و لام است و دلالت بر عموم دارد و مقصود این است که به سوی همه خیرات سبقت بگیرید.

نکته قابل توجه در این آیه و آیه قبل این است که هم از هیئت آنها وجوب فهمیده می شود و هم از ماده آنها. زیرا هیئت این کلمات به عنوان هیئت امر است که از آن وجوب فهمیده می شود و ماده آنها نیز همان معنای سرعت و استباق و امثال اینها می باشد یعنی «يجب السبق الى الخیرات یا يجب الاستباق الى الخیرات و سارعوا الى مغفرة من ربك».

پس استباق الی امر الله سبقت گرفتن به سوی امر خدا به معنای اتیان امر خدا در اولین زمان ممکن است و این یعنی آن که در اولین زمان ممکن آن را انجام بدهیم. این همان معنای فوریت است.

<sup>۱</sup> هود آیه ۱۱۴

## استفاده از ظرفیت اشتراکات ملت نیازمند سعه صدر و تدبیر است.

اکثریت مردم به اصول انقلاب و نظام و رهبری معتقدند هر چند تفسیر متفاوتی داشته باشند.

در مسئله انقلاب و حمایت از نظام و ارکان این نظام جای هیچ تردیدی نیست. واقعا نظامی که به نام اسلام بعد از سالها محجوریت توسط روحانیت و همراهی مردم بنیان گذاشته شده است باید با چنگ و دندان حفظ شود. ما اکنون در متن یک واقعه ای هستیم که اهمیت آن از دید ما مغفول مانده است کافی است بر گردیم به زمانی که روحانیت به دنبال چند نفر بود که ندای دین و حق و اسلام را به گوششان برساند. سفرهای تبلیغی که پیش می آمد فرصتی بود که ندای حق و ندای قرآن و ندای اهل بیت به گوش مردم برسد معارف دین تبیین شود با همه مشکلاتی که بود، شما این را بگذارید در کنار این همه تریبون و این امکانات که در اختیار ماست برای تبیین حقائق از رادیو و تلویزیون و رسانه های مجازی و اخیرا هم شبکه های اجتماعی، یک فرصتی بی نظیری را برای ما فراهم کرده است تا حق و حقیقت را تبیین کنیم. خدای نکرده اگر این فرصت سلب شود و اگر این شرایط آسیب ببیند معلوم نیست به این زودیا دوباره این امکان فراهم شود. مسئله خیلی مهم است حفظ بخش مهمی از این شرائط به خود ما مربوط است. به عوامل مختلفی بستگی دارد از نوع سخن گفتن و تبلیغ کردن گرفته تا برنامه هایی که نظام برای حل مشکلات مردم اجرا می کند احترام به مردم احترام به افکار عمومی احترام به همه افکار سلیقه ها مهم است. باید این مردم حول محورهای مشترکی با هم جمع بشوند اسلام، اهل بیت، قانون اساسی، ولایت فقیه، ولی فقیه، منافع ملی کشور و ایستادگی در برابر استکبار جهانی، اینها اصولی است که ملت ایران پیرامون آن باید اجتماع کنند. گمان نمی کنم قاطبه ملت ایران از این جهت اختلاف داشته باشند. اما استفاده از این ظرفیت احتیاج به دور اندیشی و جامعیت و سعه صدر و تدبیر دارد و هنر می خواهد واقعا امروز دشمن درصدد القاء نا کار آمدی نظام و مایوس کردن مردم از انقلاب است. می خواهد این مدل حکومتی موقتی نباشد به دنیا نشان بدهد که سرنوشت مردمی که این همه هزینه دادند و انقلاب کردند ببینید به کجا منتهی شد تا فکر و هوس انقلاب به سر ملت های دیگر نزنند. ما خیلی نقش داریم در اینکه این نقشه دشمن را از بین ببریم. نقش ما این است که تا می توانیم این نظام را تا آنجایی که می توانیم موفق و کار آمد معرفی کنیم باید برای این منظور تا می توانیم دایره علاقمندان به نظام و انقلاب و رهبری را گسترش دهیم آیا واقعا این کار می شود؟

## این درست نیست نا کسی را قبول نداریم او را از گردونه اسلام و انقلاب خارج بدانیم

الان این روزها می بینید که واقعا یک عده به محض اینکه یک نفر با آنها اختلاف نظر دارد فوری می گویند تو انقلاب را قبول نداری تو رهبری را قبول نداری یک سری اتهامات واهی در حالیکه واقعا این گونه نیست. کثیری از افرادی که مواجه با این سخنان می شوند عاشق انقلاب و امام و رهبری هستند هیچ عاقلی نمی تواند الان انکار کند اهمیت نقش رهبری در شرایط حاضر در این مملکت را. واقعا مقایسه کنید با همسایگان و مسائلی که در منطقه دارد اتفاق می افتد. قطعا یکی از نقشهای محوری در امنیت کشور و مردم شخص رهبری و جایگاه ولایت فقیه است من معتقدم که اکثریت مردم به این باور دارند اما اینکه یک عده قلیل یک عده ای ناچیز چون حس می کنند کسی متفاوت با آن ها فکر می کند و نگاه متفاوتی دارد اینها را خارج از دایره نظام و انقلاب و اسلام قرار می دهد این به صلاح نیست من همیشه می گویم حتی کسانی که پنجاه درصد به انقلاب به رهبری و قانون اساسی عقیده دارند را باید حفظ کرد و در همان پنجاه درصد اتصال و ارتباط را برقرار کرد تا بتوان بعدا بیشترش کرد. این سیاست یا همه یا هیچ قابل قبول نیست. نباید ما گرفتار مطلق انگاری و جزم اندیشی شویم. هر کسی فکر کند که من حق مطلقم و بقیه

باطلند بالاخره سلیقه‌ها در اداره مملکت متفاوت است این درست نیست تا ما روش کسی را قبول نداریم فوری او را از گردونه اسلام و انقلاب خارج بدانیم. اگر اینطور باشد همه از گردونه خارج می‌شوند دیگر چه کسی باقی می‌ماند؟ مخاطب من مخصوصاً شما فضلاء و طلاب و عزیزان حوزوی هستید. ما باید این فکر علوی و نبوی را ترویج کنیم تندروی خوب نیست کند روی نیز خوب نیست در این امور احساسی و هیجانی عمل کردن خوب نیست. انتظار از حوزه و روحانیت این است که علمدار جذب مردم به سوی دین و نظام و خود روحانیت باشد و این جز با مهربانی و صمیمیت و برخورد پدرا نه و زمان شناسی ممکن نیست. ما نباید با جمود و تنگ نظری با مسائل برخورد کنیم. این خیلی مهم است واقعا مشکلات زیاد است و مردم گرفتاری زیاد دارند. الان رکود است بی‌کاری است مشکلات زیادی وجود دارد. مواردی پیش می‌آید که انسان نمی‌تواند کاری انجام دهد و شرمندگی برای انسان حاصل می‌شود. با این همه گرفتاریها واقعا باید تدبیر به خرج داد باید با برنامه ریزی مشکلات حل شود. با هیاهو و شعار کارها پیش نمی‌رود. این که ما فقط منفی نگر باشیم اینکه کارهای خوب را نبینیم و فقط دنبال برجسته کردن یک سری کارهایی باشیم که تخریب است. این درست نیست. همه باید کمک کنیم و دست به دست هم بدهیم که این مملکت از این مشکلات نجات پیدا کند نه تنها مشکلات ملت ایران حل بشود بلکه مایه امیدواری برای همه ملت‌های مسلمان باشد.

«الحمد لله رب العالمین»